

جانو چانگ چینگ، شینگ گوانگ چنگ، سوان جوانگ جی. ترجمه محمدجواد امیدوارنیا، آکادمی علوم اجتماعی چین، تهران: مؤسسه مطالعات دریای خزر، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۳۶۶ صفحه.

تجربه جهانی ما را متقاعد می‌نماید که قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی ابزارهایی مهم در اعمال سیاست چین بین دولتها تلقی می‌گردد. تعیین موقعیت و نقش آن و نیز توجه به استنتاجات و نتایج حاصل از ارزیابی و محاسبه قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی بسیار دارای اهمیت می‌باشد. در شرایط امروزی، چین به‌عنوان کشوری بزرگ و قدرتمند چه از نظر اقتصادی و نظامی و چه به لحاظ سابقه تاریخی و ویژگی‌ها و پیوندهای فرهنگی نقش اساسی در کلیه شئون کشورهای آسیای مرکزی ایفا می‌نماید. کتاب چین و آسیای مرکزی متشکل از یک مقدمه، یک پیشگفتار و شامل شش بخش به تازگی چاپ شده و دارای مطالب بسیار سودمندی در مورد مسایل گوناگون منطقه آسیای مرکزی می‌باشد.

در پیشگفتار کتاب چین و آسیای مرکزی اهمیت مطالعه و بررسی اوضاع عمومی و تاریخ کشورهای این منطقه و همچنین مختصات فرهنگی مردمان این دیار چین توضیح داده شده است: «چین و کشورهای آسیای مرکزی دوست و همسایه‌اند. پس از پایان جنگ سرد، از بطن شوروی سابق چند جمهوری نواستقلال پدید آمد. منطقه

آسیای مرکزی که در نقشه جغرافیایی روسیه و سپس شوروی، غرق شده بود پس از سپری کردن بیش از یک قرن، بار دیگر با چهره‌ای جدید در برابر مردم جهان ظهور یافت. این یکی دیگر از تحولات مهم جهانی در قرن بیستم است. چین از هنگام استقلال کشورهای آسیای مرکزی به توسعه سریع مناسبات با آنها اهمیت بسیار داده است. کشورهای آسیای مرکزی نیز به گسترش روابط با چین توجه ویژه داشته‌اند و همین موجب گردیده که مناسبات دوجانبه چین و هریک از کشورهای آسیای مرکزی به توسعه سریع دست یابد. این روابط به نوبه خود موجبات جلب توجه جامعه بین‌المللی را فراهم آورده و به صورت یکی از عنوانهای اصلی مطالعات لازم بین‌المللی درآمده است. مزیت بزرگ کتاب چین و آسیای مرکزی این است که مطالب رویدادها، اخبار، تحلیل‌ها، جداول، آمار، حوادث، نقش‌ها، ساختارها، همکاری‌ها، مناسبات و چالش‌ها در شش بخش کلی تحت عناوین زیر بحث شده‌اند:

بخش اول: اوضاع و احوال و تاریخ؛ بخش دوم، روابط سیاسی، بخش سوم: روابط اقتصادی؛ بخش چهارم: سه محور ثبات، پیشرفت و همکاری؛ بخش پنجم: همکاری‌های امنیتی؛ بخش ششم: چین و آسیای مرکزی در شرایط جدید جهانی.

در هریک از این بخشها فصولی جداگانه باز شده‌اند که هر فصل عناوینی را شامل می‌گردند. تحت این عناوین ویژگی‌های هریک از کشورها مورد بحث واقع شده‌اند. از این جهت خواننده به طور مثال در فصل اول از بخش اول کتاب تحت عناوین: موقعیت جغرافیایی، جمعیت، پایتخت، پول، زبان، قومیت‌ها، دین، تاریخ و موقعیت سیاسی با یک شمای کلی از وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه آشنا می‌گردد.

«آسیای مرکزی» مورد بحث در این کتاب، کشورهای (قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان) در نقطه اتصال در قاره آسیا و اروپا قرار گرفته‌اند و موقعیت جغرافیایی بسیار مهمی دارند. کشورهای آسیای مرکزی از جانب شمال و غرب با روسیه و جمهوری آذربایجان و دریای خزر، از سوی جنوب با ایران و افغانستان و از جانب مشرق با چین همسایه‌اند. وسعت خاک پنج کشور آسیای مرکزی نزدیک به ۴ میلیون کیلومتر مربع است.

تاریخ آسیای مرکزی تاریخ کنش‌ها و واکنش‌های اقوام بسیار، جابجایی آنها و تاریخ پیوندها و زدوخوردهای اقوام گوناگون است. آسیای مرکزی در گذشته‌های دور از تمدنهای والایی برخوردار بوده است. پژوهشگران تاریخ و باستان‌شناسان براساس بررسی آثار کهن به دست آمده از حفاری‌ها در جنوب غربی ترکمنستان، بخارا و سمرقند و تاشکند در ازبکستان، شهر دوشنبه مرکز تاجیکستان و نقاط دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که مناطق یادشده به میراث فرهنگی دوران پارینه‌سنگی تعلق دارند.

در بخش دوم کتاب چین و آسیای مرکزی پس از ذکر ساختار اقتصادی چین و کشورهای آسیای مرکزی، مزایای نسبی آنها در گسترش روابط اقتصادی خارجی بررسی می‌گردد. سپس با ارائه جداول، آمار و ارقام شاخصهای اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۰ با سال ۱۹۹۵ مقایسه می‌گردد. همچنین در این بخش اقلام عمده صادراتی کشورهای آسیای مرکزی در سالهای ۹۵-۱۹۹۲ به دقت بیان می‌گردد. پس از آن به راهکارها و تلاشهای هر یک از کشورهای آسیای مرکزی در راه توسعه و همکاری‌های اقتصادی می‌رسیم. در جدول پنجم از این بخش حجم مبادلات چین و کشورهای آسیای مرکزی طی سالهای ۹۷-۱۹۹۲ ملاحظه می‌گردد که بسیار خواندنی و قابل تعمق می‌باشد. در نمودار بخش سوم معلوم است که بین پنج کشور آسیایی مرکزی، حجم مبادلات قرقیزستان با چین بیش از دیگران بوده و پس از آن قزاقستان قرار داشته است. مبادلات تاجیکستان و ترکمنستان با چین، حجم کوچکی از مبادلات خارجی آنها را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این به دنبال افزایش بازرگانی خارجی این کشورها، حجم مبادلات آنها با چین به میدانهای متفاوتی کاهش یافته است و این نکته در مورد قزاقستان از همه آشکارتر است. در صفحه ۱۷۵ کتاب چین و آسیای مرکزی روابط اقتصادی این کشورها با روسیه نیز مورد بحث قرار گرفته و اشاره می‌شود: «در چهار کشور از پنج کشور آسیای مرکزی حجم مبادلات با روسیه در ردیف اول قرار دارد، در ترکمنستان در ردیف چهارم است. در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ میزان مبادلات با روسیه در بازرگانی خارجی کشورهای آسیای مرکزی کاهش یافته، لیکن هنوز بزرگترین شریک بازرگانی آنها به‌شمار می‌آید».